



دیگر از نسخه نوشتن برای کاهش طلاق گذشته است

دیگر از نسخه نوشتن برای کاستن از طلاق گذشته است.

*محمد زینالی اناری: دیگر از نسخه نوشتن برای کاستن از طلاق گذشته است.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از ایسنا، همه به فکر طلاق هستند و کاستن آن! نمی‌توان گفت دیگر از نسخه نوشتن برای کاستن از طلاق گذشته و آن را پدیده‌ای معمول و متداول تلقی کرد؛ چرا که فعلا منطق رایج این است که طلاق امری نکوهیده بوده و باید کاری کرد تا اتفاق نیفتد. نه طلاق، که پایان هر دوستی کم رنگی نیز تلخ و اسف بار است. آری انسان زنده به دوستی و مقید به نگه داشتن حریم‌هایی است که مدت‌ها در دل آن خانه کرده است. اما یک چیزی را نمی‌توان انکار کرد که کار از کار گذشته و برنامه‌ها کارگر نبوده است.

برنامه‌ها نوشته شده و دستورها برای اجرای آن داده می‌شود، اما آنچه که وجود ندارد، نقد آن است که چرا این‌ها کارگر نیستند؟ مدت‌ها پیش، در آن دوردست، دو نویسنده نشسته و فکر کردند به این که چرا ایده آل‌های مدرنیسم عملی نشده و از خلال منطق‌های علمی خروج اسطوره‌ای چون هیتلر عملی گشت؟ آنها وقتی آرمان‌های مدرنیسم را خواندند دیدند که حرف بدی نمی‌زند، اما در عجب بودند که چرا این چنین آرمان‌های خوب نتیجه‌ای وارونه می‌دهد؟

اما از آن جایی که در کشور آن دو نویسنده زمان رمل و اصطربلاب گذشته بود، به این فکر کردند که حتما در روال کار، اتفاقاتی می‌افتد که آرمان‌ها نتیجه معکوس می‌دهند. یقیناً ازدواج هم ممکن است شکست بخورد و این ناشی از برنامه‌ای است که برای ازدواج از سوی نهادهای متولی در آن صادر می‌شود. یقیناً قوی‌ترین نهاد در ازدواج، باورهای خانوادگی سنتی است که موجب شکل‌گیری پیوند میان نهال‌های جوان می‌شود. از سویی باورهای بی‌سرانجام پیشین، که طی آن ازدواج را بخت و اقبالمانند رنگین بودن هندوانه توصیف کرده‌اند، تقویت شده و از سوی دیگر، وااسفای طلاق سر داده می‌شود.

البته پدیده‌هایی مانند دوستی پسر و دختر یا ازدواج اینترنتی، مدرن نبوده و ممکن است مجدداً باورهای اساطیری جامعه که خود بازتولیدی از سنت‌هاست، به روابط جنسیتی جدیدی که ساخته می‌شود، شکل به هنجار بدهند. اما متأسفانه مدت‌هاست این نوع بهره‌برداری غیرخردمندانه توسط پسران و دخترانی که زیاد در روابط خود عمیق نشده و پیوندهای ناپایداری را شکل می‌دهند، عنوان مدرنیته و... داده می‌شود، در حالی که اینها همه به خاطر بانگ کهنی است که از این پدیده‌ها سر داده می‌شود.

از آن سنتی‌تر، هول و هراسی است که شاید به خاطر زیاد شدن دوره‌ای طلاق و ناپایداری ازدواج رخ داده و طبیعتاً پس از ناکامی سلايق مختلف، احتمالاً دست به دامن محققانی شده و راه‌چاره‌ای برای آن یافته خواهد شد. چرا که قانون جامعه کوتاه با کثرت مدعیانی که حافظ شیرازی هم از آن نالیده، در جامعه ما صادق نیست. لذا در رویارویی با مسائل انسانی و اجتماعی دچار کثرت سلیقه، همواره آنها را تعمیق بخشیده‌ایم تا خانواده‌های زیادی هزینه‌های این سلیقه بازی‌ها را بدهند.

اما موضوع مهمی که باید دست اندرکاران بدانند و برنامه سلائق خود قرار دهند، ارائه برنامه کاری برای آن سوی طلاق است تا به جای هدر شدن سرمایه‌های انسانی و از بین رفتن فرصت‌های زندگی خانوادگی، تجربه‌های ناپایان در جامعه شکل نگیرند. چرا که هر قدر هم در برابر طلاق دستپاچه شده بخواهیم جلوی آن را بگیریم، به خاطر ازدواج‌های غلط پیشین، در برابر آنها ناتوانیم. ما باید تلاش کنیم برای به هنجار نشدن زندگی مجردی که ای بسا هم شده است، چاره‌ای اندیشیده و برای شکل گرفتن زندگی‌های مشترک مجدد چاره‌ای بیندیشیم.

از طرفی، نهادهای حمایتی باید تمام تلاش خود را به کار ببندند تا به زنانی که از کوران طلاق به عنوان متقاضیان حمایت‌های دولتی مراجعه می‌کنند، به عنوان نیروی انسانی غیرخودبسنده که باید از سوی مشاوران فرهنگی، تعاونی و تجاری حمایت شوند، توجه کنند. در غیر این صورت، حمایت‌های فردگرایانه و وام‌های خوداشتغالی که سال‌ها با هزینه خرید پیکان چهل و دو مقایسه شده‌اند، تنها خواهد توانست آنها را بینواتر، تنهاتر و آسیب دیده‌تر کند. البته با توجه به این که بیسوادی علت عمده مشکلات معیشتی است، می‌توان با سرمایه‌گذاری بر سوادآموزی، مشارکت آنها در از میان برداشتن فقر و بیسوادی را نیز به

کار بست.

*کارشناس علوم اجتماعی